

نیم‌نگاهی به بررسی عوامل تأویل‌پذیری و جنبه‌های چندمعنایی شعر حافظ

دکتر عزیز شبانی
دانشگاه آزاد شیراز

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد

زان سبب جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

«از همه‌ی اسرار الفی بیش بیرون نیفتاد و باقی هر چه گفتند در شرح آن الف گفتند و

آن الف البتّه فهم نشده» (مقالات شمس) *م‌انسانی و مطالعات فرهنگی*

تأویل از همه‌ی اشیاى جهان، بر زبان آدمی، بازتابی گسترده داشته است. اما آدمی،

تأویل‌پذیرترین هنر خویش را در شعر تجلی داده و در میان شاعران ایران، بیت‌الغزل‌های

حافظ در شرح‌ها، تفسیرها، تأویل‌ها، در برهه‌های گوناگون زمانی چنان‌بسیار هر

لحظه به شکلی در آمده است.

در قلمرو فرهنگی ما با توجه به سابقه‌ی «زندآگاهی» و برداشت‌هایی که از متون

زرتشتی شده و حضور چشم‌گیر قرآن و متون وابسته‌ی آن و نیز متون عرفانی در ناخودآگاه جمعی ما، وقوفی هم‌گانی از تأویل در ذهن است.

از طرفی در فرهنگ غرب، از دوران باستانی یونان و دوران قرون وسطایی در روم و دوران معاصر انگاره‌های هرمنوتیکی در ذهنیت‌های فلسفی جاری و ساری بوده است. با توجه به انگاره‌های هرمنوتیکی مدرن به سراغ زندگی حافظ که می‌رویم می‌بینیم که زندگی این شاعر در فراز و فرودهای زیستاری راه به جهان تأویل برده است.

صاحب این زندگی تأویلی دست به خلق اشعاری زده که باز خود این خلاقیت‌های زبانی در لایرنت تأویلی از رخ اندیشه نقاب گشوده است.

جریان تأویل‌پذیری شعر حافظ خود قایم بر عوامل کلی است، که ما این عوامل را به سه دسته‌ی عمده‌ی زیر تقسیم کرده‌ایم که هر یک از این عوامل زیرمجموعه‌هایی را به خود تخصیص داده است که به اختصار ذکر می‌گردد.

۱. عوامل درون‌متنی

مقصود از این عوامل، آن دسته از کلمات یا عباراتی است که در متن حضور دارند و خود نیز دارای ابعاد گوناگون معنایی هستند و در بافت مجازی کلام حافظ به صورت استعاره، کنایه و ایهام جلوه‌گر شده‌اند.

۱-۱. استعاره‌های حافظ تأویل‌پذیرند

استعاره‌هایی که حافظ از معشوق و شراب خلق کرده است، ره به عالم تأویل برده‌اند.

نمونه:

دلم ز نرگس ساقی امان نخواست به جان چرا که شیوه‌ی آن ترک دل سیه دانست

چون نماد، ریشه در استعاره دارد می‌توان به نماد هم در اشعار حافظ توجه کرد و آن را یک عامل تأویل‌پذیر قلمداد نمود. به عنوان نمونه در بیت زیر می‌توان از کلمه‌ی «آتش» به عنوان یک نماد برداشتی چندگانه داشت، از جمله: آتش عشق، آتش کهن، آتش طور.

از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
 بر بنیان تحقیقات «ایزوتسو» در استعاره‌های عرفانی می‌توان گفت که معنای مجازی
 استعاره را می‌بایست معنای واقعی کلمه دانست. بهترین نمونه‌ی این کارکرد را در کلمه‌ی
 «نور» در بیت زیر می‌توان به دست داد:
 در خرابات مغان نور خدا می‌بینم وین عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

۲-۱. کنایه‌ها

با توجه به کاربرد کنایه در زبان هنری حافظ می‌توان به این نکته رسید که عبارات
 کنایی، خود، آفرینش‌گر چندین معنا در ذهن خواننده هستند. نمونه‌ی ترکیب کنایی
 «نقش بر آب زدن» در بیت زیر: *رتال جامع علوم انسانی*
 دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم نقشی به یاد خط تو بر آب می‌زدم

۱-۲-۱. آبرونی

بحث آبرونی را وام‌دار استاد عزیزم جناب آقای دکتر رستگار فسایی هستم. با توجه
 به مفهوم آبرونی کنایه‌های طنزآلود را می‌توان به نوعی آبرونی قلمداد کرد و بهترین
 نمونه‌ی آن شعر معروفی است که تأویلات فراوانی را در هاله‌های چندمعنایی به خود
 اختصاص داده است.

پیر ماگفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد

۳-۱. ایهام

ایهام نیز یکی از عوامل درون‌متنی تأویل‌پذیری و جنبه‌های چندمعنایی شعر حافظ است. با توجه به دیدگاه‌های گوناگون حافظ‌پژوهان از جمله استادان گرانمایه مرتضوی، فرید، خرماهی، انوری، ذوالریاستین و شفیعی کدکنی، در زمینه‌ی این عامل می‌توان تأویل‌آفرینی‌ها را به خوبی در یک دورنمای کلی ملاحظه کرد.

شایان یادآوری است که در ایهام‌آفرینی‌های حافظ در ترکیب‌های اضافی گاهی اوقات مضاف‌الیه حذف می‌شود و این شگرد شعر را به جنبه‌ی چندمعنایی می‌کشاند.

نمونه:

یارب آن زاهد خودبین که به جز عیب ندید

دود آهیش در آینه‌ی ادراک انداز

و گاهی اوقات ایهام‌آفرینی‌های حافظ را در استفاده از اضافه‌های چندبعدی مشاهده می‌کنیم مانند جام لعل که از آن شش معنا مستفاد می‌شود.

به طور کلی در ایهام‌پردازی‌های حافظ در تأویل‌پذیری کلام او می‌توان نتایج متعددی به دست داد که اهم آن به حالت تعلیق در آوردن ذهن خواننده در جنبه‌های چندمعنایی است.

۱-۳-۱. ایهام ساختاری

ایهام ساختاری، ترکیبی است که استاد عزیزم حق‌شناس به جای اختلاف قرائات استاد بهاء‌الدین خرماهی به کار برده است. در این گونه‌ی ایهام، ساخت نحوی یا حتی

صرفی شعر عوض می‌شود و معنایی چندگانه می‌آفریند.

نمونه: «طفل، یک‌شبه»، «طفل یک‌شبه»

طی مکان بین و زمان، در سلوک شعر کاین طفل یک‌شبه ره صد ساله می‌رود

۲. عوامل میان‌متنی

مقصود از عوامل میان‌متنی، کیفیت مواجهه‌ی حافظ با سایر متون است، اصطلاح میان‌متنی که از «ژولیا کریستوا» اخذ شده به این معنی است که متن نظامی بسته و خود بسنده نیست، بلکه پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد. بحث میان‌متنی بیش‌تر در ادبیات ما، تاکنون به صورت تأثیرپذیری، قلمداد شده است. با توجه به فراگیری نگاه جدید به مقوله‌ی میان‌متنی می‌توان این بحث را تحت عنوان، گفتمان حافظ با سایر متون طرح کرد و از آن‌جا در دیوان حافظ که متنی باز و گشوده است به مفاهیم زیر دست یافت.

حافظ در مقام راوی

ترکیبات واژگانی دیگر در حوزه‌ی تأویلات حافظ / تأویل و نتیجه‌گیری از تلمیحات ترکیبی از چند شیوه‌ی میان‌متنی در ساقی‌نامه‌ی حافظ و همه‌ی این مفاهیم را با اصطلاح میان‌متنی تبیین کرد و در این‌جا از همه‌ی مفاهیم بالا در عنوان کتاب‌ها روی‌کرد حافظ به قرآن و تأویلات او را با توجه به بررسی حافظ‌پژوهان، شیوه‌ای دیگر بر بنیان درآمیختن با روان انبیا ارایه داد که در این شیوه درآمیختن حافظ را روان آدم (ع)، نوح (ع)، موسی (ع)، یعقوب (ع)، یوسف (ع)، داوود (ع)، سلیمان (ع)، زکریا (ع)، عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) حایز اهمیت است.

در این چمن گل بی خار کس نچید آری چراغ مصطفوی با شرار بولهبی ست

۲-۱. عوامل برون‌متنی

مقصود از عوامل برون‌متنی بیشتر تر آن دسته از عواملی است که به برداشت خواننده در زمینه‌های گوناگون منتهی می‌شود. در این جهت علاوه بر خوانندگان متن حافظ خود حافظ، کاتبان دیوان او نیز در تأویل‌پذیری شعر او عامل مؤثر بوده‌اند.

۱-۲-۱. خوانندگان نویسنده

چون این دسته از خوانندگان طیف وسیعی را در بر می‌گیرد ما به عنوان نمونه سه نوع خوانش را که انتخاب نموده و درباره‌ی برداشت‌های آن‌ها مفصلاً سخن گفته‌ایم در این جا به طور اجمال آن سه گوش زد می‌شود.

۱-۲-۱-۱. خوانش اشتیاق ظهور

صاعدی نویسنده‌ی کتاب تأویل و تفکر اشتیاق ظهور با اعتقاد به حضرت مهدی (عج) به سراغ متن رفته و حدود $\frac{1}{5}$ دیوان وی را در این راستای تأویلی قرار داده است.

۲-۱-۲. خوانش فرویدی

فلانی بر بنیان اندیشه‌های فروید به سراغ متن حافظ رفته و برداشت‌های خویش را با توجه به زندگی حافظ چنین ارایه داده است:

- حافظ عقده‌ی ادیب دارد.

- شعر حافظ به علت طرح مشکل‌ها (عقده‌ها) جاذبه دارد.

۳-۱-۲-۱. خوانش هرمنوتیک

فردید با انگاره‌های عرفانی و نظریه‌های هرمنوتیک به سراغ متن حافظ رفته و برداشت‌های خویش را در تقریرات گوناگون ارایه داده است.

۲-۲-۱. فال حافظ

با توجه به بررسی پیشینه‌ی فال می‌توان گفت که خود حافظ به فال اعتقاد دارد و مردم بر بنیان خواسته‌های خویش، شعر او را تأویل می‌کنند و پژوهشگران از جمله استاد خرمشاهی فال حافظ را جوابی غیبی به مشکلات مردم دانسته و گروهی دیگر از پژوهشگران از جمله استاد زرین‌کوب روی کرد فال گرفتن را حاصل درماندگی انسان در زندگی روزمره قلمداد کرده‌اند.

۳-۲-۱. خودتودانی‌ها

خودتودانی‌ها، اصطلاحی است که از حافظ برگرفته‌ایم. حافظ با این شگرد به صورت ضمیر مبهم، فعل منفی، ضمیر جمع ذهن خواننده را به خود رها می‌کند تا خواننده آزادانه برداشتی از مقوله‌ی ذکر شده داشته باشد.

نمونه:

من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش که تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشی

۴-۳-۱. تصرف خود حافظ یکی از عوامل تأویل‌پذیری شعر اوست.

۵-۳-۱. اصلاح ناقدان نیز یکی از عوامل تأویل‌پذیری شعر حافظ است.

۶-۳-۱. فعالیت محمدگل اندام در تأویل‌پذیری سخن حافظ مؤثر بوده است.

۱-۳-۷. تصرف کاتبان نیز یکی از جمله عوامل تأویل‌پذیری است.

۱-۳-۸. تکیه‌ها.

از آن‌جا که تکیه در زبان فارسی در هر عبارتی، بستگی به نظر گویندگان دارد، از این عامل نمونه‌های فراوانی می‌توان به دست داد.

حاصل کلام

۱. در روی‌کرد هرمنوتیکی به حافظ، با تکیه بر سه دیدگاه، اصالت متن، اصالت نیت

مؤلف و اصالت دریافت خواننده باید توجه نمود.

۲. بیش‌تر گوشه‌های زندگی حافظ تأویل‌پذیر است.

۳. عوامل تأویل‌پذیری شعر حافظ و جنبه‌های چندمعنایی آن ابتدا باید به عوامل

درون‌متنی و میان‌متنی و برون‌متنی توجه کرد.

۴. استعاره از جمله عوامل درون‌متنی تأویل‌پذیری و جنبه‌های چندمعنایی شعر

حافظ است و علت جذابیت آن صراحت، لذت‌بخشی، پویایی و تقلیل

قرینه‌هاست.

۵. نمادآفرینی حافظ ریشه در مفاهیم تأویلی اسطوره‌گانی دارد.

۶. در ساختار باطنی استعاره‌های عرفانی، معنای مجازی استعاره معنای حقیقی

قلمداد می‌شود.

۷. کنایه‌های حافظ مبنی بر قرینه‌ای (حالی) است که ذهن خوانندگان را در تعلیق نگاه

می‌دارد.

۸. حافظ در استفاده از کنایه برای تکثیر ظرفیت معنایی شعر خویش، کوشیده

است.

۹. آبرونی‌ها در متن حافظ، معنای چندگانه دارند.
۱۰. ایهام‌آفرینی حافظ حاکی از تسلط او بر ابعاد گوناگون معانی واژه‌هاست.
۱۱. بعضی از ایهام‌های حافظ ریشه در نگاه زیبایی‌شناسانه‌ی او به دین دارد.
۱۲. ایهام شاخص سبکی حافظ است.
۱۳. مقوله‌ی میان‌متنی درخور یک کارگروهی‌ست.
۱۴. نوع خوانش‌ها در تأویل‌پذیری شعر حافظ بسیار حایز اهمیت است.
۱۵. حافظ در دوره‌ای از عمر خویش نسبت به خدا، جهان و انسان دیدگاهی هرمنوتیکال داشته است.

در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز هر کسی بر حسب فهم گمانی دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی